

نوآوری های شاعرانه عبدالباقی عمری

زهرا مهاجر نوعی^۱

چکیده

نوآوری نوعی کیفیت و تجربه تازه یا دوره جدید که بیانگر تازگی در زمان حال به عنوان گسست از گذشته و ورود به آینده ای است که در حال ظهور است و با ایده نوآوری همراه است. براین اساس در اشعار عمری با دو نوع اندیشه های نوخواهی روبرو می شویم: ۱- نوآوری در محتوا؛ درونمایه های اجتماعی و سیاسی را در بر می گیرد. ۲- نوآوری در شکل؛ ساختار شکنی در اوزان عروضی خلیلی و به کارگیری قالب های نو شعر است. درونمایه های تازه، مانند: عواطف ناسیونالیستی، میهن دوستی و اندیشه های ظلم ستیزانه با اسلوب منسجم به دلیل وحدت موضوع در اشعار عمری با سبک موجز آشکار گردید. گاه شرایط سیاسی جامعه به گونه ای بود که شاعر ناگزیر قالب های کلاسیک و اوزان عروضی را رها کرد و با آزاد اندیشی فرم های نو را به کار گرفت. از نتایج ارزنده مقاله چنین است: ۱- نوآوری های شاعر در محتوا کاملاً آگاهانه بود، زیرا وی درک کاملی از اوضاع سیاسی- اجتماعی روزگار خود داشت؛ در نتیجه عمری شعر را ابزاری هنرمندانه در جهت ادای رسالت ادبی به کار گرفت. ۲- نوآوری های عمری در شکل آگاهانه نبود؛ زیرا تعداد آن در اشعارش اندک؛ و فقط به دلیل جولان بخشیدن به اندیشه و خیال خویشتن اشکال نوین را با موسیقایی مطبوع به کار گرفت.

کلید واژه ها: شعر، عبدالباقی عمری، نوآوری، سبک، عراق.

۱- مدرس تمام وقت دانشگاه فرهنگیان استان گلستان. z.mohajer@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۹/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۱۰

۱- مقدمه

سرزمین عراق نسبت به لبنان و مصر به خاطر مهجور ماندن در تبادلات فرهنگی همکاری کمتری با دیگر سرزمین ها داشت؛ از این روی نویسنده مقاله بر آن شد تا با بررسی اشعار عبدالباقی عمری که از شاعران قرن نوزدهم میلادی در سرزمین عراق است؛ این مطلب را خاطر نشان سازد که علی رغم فقدان تعاملات ادبی گاه نوآوری های شاعرانه در شکل و محتوای اشعار وی به چشم می آید. درباره اهمیت مقاله حاضر شایسته است که چنین بگوییم؛ هیچ گاه انقلاب های ادبی به دست یک نفر انجام نمی شود و به نتیجه نمی رسد، بلکه همیشه پیش از آن افرادی هستند که در این راه به آرامی گام بر می دارند، عمری هم یکی از آنان است که می توان نوآوری های شاعرانه وی را هر چند اندک اما گامی موثر برای شاعران پس از خود در خلق نوآوری های ادبی دانست.

درباره پیشینه مقاله حاضر باید گفت؛ متون ادبی و تاریخ ادبیات درباره قرن نوزدهم میلادی و یا شاعران این دوره به قلم متخصصان زبان و ادبیات عربی نگاشته شد که می تواند در انجام پژوهش هایی از این دست راهگشای پژوهشگران باشد؛ اما نوآوری در اشعار عمری تا کنون مورد بررسی قرار نگرفته است.

از پرسش های پژوهش حاضر چنین است: ۱- نخستین بارقه های نوآوری عمری در شکل بود یا محتوا؟ ۲- شاعر درونمایه های تازه را با شکل سنتی بیان کرد یا نو؟ ۳- نوآوری عمری در شکل و محتوا آگاهانه بود یا ناآگاهانه؟

۱- نخستین بارقه های نوآوری عمری در محتوا بود. ۲- شاعر درونمایه های تازه را با پوششی سنتی بیان کرد. ۳- در آغاز ایده های نوین عمری در محتوا آگاهانه سپس در فرم ناآگاهانه آشکار گردید.

سبک نویسنده در این مقاله همان توصیفی - تحلیلی بر مبنای کتب مربوط به قرن نوزدهم میلادی؛ مانند: تاریخ الآداب العربیة فی القرن التاسع عشر نوشته لوئیس شیخو یسوعی، الشعر و

نوآوری های شاعرانه عبدالباقی عمری ۱۱۳۱۱۱

الشعراء المجهولون في القرن التاسع عشر از طه وادی، دیوان تریاق فاروقی (دیوان عمری) و... است.

شیوه کار نگارنده در این مقاله بدین گونه است: نخست نگاهی به پدیده نو و دستاوردهای آن داریم. نوآوری در اشعار عمری را با دو رویکرد متفاوت مورد بررسی قرار می دهیم: ۱- نوآوری در محتوا ۲- نوآوری در شکل ۳- نوآوری در محتوا شامل مضامین اجتماعی - سیاسی است. نوآوری در شکل ساختار شکنی اوزان عروضی خلیل بن احمد و قالب های شعری مدرن را در برمی گیرد. از نتایج ارزنده مقاله حاضر بدین گونه است: ۱- نوآوری در محتوا دارای دو گرایش اجتماعی و سیاسی است. ۲- معانی اجتماعی تازه در زمینه عدالت خواهی و ظلم ستیزی است. ۳- اندیشه های نو در مضمون سیاسی همان عواطف ناسیونالیستی و میهنی است. ۴- نوآوری در شکل ساختار شکنی اوزان عروضی خلیلی و قالب کلاسیک قصیده است. ۵- از درون مایه های تازه که مقارن با پیشرفت تکنولوژی در اشعار عمری آشکار گردید؛ وصف پدیده تلگراف و از این دست بود.

۲- عبدالباقی عمری (۱۲۰۴ - ۱۲۷۹ ق = ۱۷۹۰ - ۱۸۶۲ م)

عبدالباقی عمری فاروقی در سرزمین موصل دیده به جهان گشود و در بغداد در گذشت. از آنجا که نسب وی به عمر بن خطاب می رسد، عمری فاروقی^۱ نام گرفت. او از استعداد و هوشی سرشار برخوردار بود و از کودکی در پی فراگیری دانش برآمد، شعر و ادب را در زادگاهش فرا گرفت تا اینکه به ستاره شعر و ادب در سرزمین موصل لقب گرفت. اندیشه فراخ و مسئولیت پذیری وی نسبت به مسائل موجب گردید تا مناصب دولتی متعددی را در زمان داوود پاشا، قاسم پاشا، علی پاشا و نامق پاشا تا پایان حیاتش در بغداد عهده دار باشد. برخی از معاصران وی همچون عبدالغفار أخرس (۱۳۴۹-۱۴۱۹ ق = ۱۸۰۵-۱۸۷۵ م) قریحه نیکو وی را در زمینه شعر ستودند. کار زیاد نتوانست او را از دنیای شعر و ادب جدا کند؛ بلکه وی همچنان به

۱- لقب خلیفه عمر بن خطاب است و به دلیل آن که نسب شاعر به وی می رسد فاروقی نام گرفته است. (عمری، ۱۹۴۶، ۱۵)

۱۱۴ // فصلنامه مطالعات تمدنی / سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۵ شماره پیاپی سوم

نوشتن متن های منثور و منظوم پرداخت تا این که پیشوای شعرای عراق در قرن نوزدهم نام گرفت. آثار وی الباقیات الصالحات، تخمیس همزیه بوصیری، تریاق فاروقی و نزهة الدهر فی تراجم فضلاء العصر است. (عمری، ۱۹۴۶، ۳-۱؛ زرکلی، ۱۹۸۹، ۴/۱۲۴)

۳- نوآوری و دستاوردهای آن

نوآوری به معنای تجدید و تازگی است که اولین بار در آثار ژان ژاک روسو (۱۱۲۹-۱۱۹۵ق=۱۷۱۲-۱۷۷۸م) در قرن ۱۸ به کار رفت و پس از وی در آثار بسیاری از نویسندگان آن عصر متداول گشت. نوآوری در اصطلاح عبارت است از نوعی حالت، کیفیت، ویژگی و تجربه تازه یا دوره نو که بیانگر تازگی، بداعت و نو بودن زمان حال به عنوان گسست یا انقطاع از گذشته و ورود به آینده‌ای است که میان سال‌های (۱۰۴۷-۱۳۵۷ق=۱۶۳۰-۱۹۴۰م) را در بر دارد و واجد جنبش های متعدد فرهنگی و عقلانی است؛ البته یورگن هابرماس (زاده ۱۳۴۶ق=۱۹۲۹م) فیلسوف مدافع نوآوری و تازه بر این باور است که نوحواهی پروژه ای ناتمام است و هنوز به آخر نرسیده است. به شکل کلی می توان منظور از نوآوری را جامعه نو دانست. (ترکاشوند، ۱۳۹۰، ۵۸/۲۴)

نوآوری و نوحواهی با ریشه‌های عمیق در تحولات تاریخی نزدیک به شش قرن متمادی؛ یعنی از قرن چهاردهم و رنسانس به این طرف، میراث خوار این شش قرن تحولات به‌شمار می‌روند. آنچه که تحت عنوان نوآوری از آن یاد می‌شود چیزی نیست جز دستاوردهای عمیق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فکری، فرهنگی و مانند آنها در تمامی حوزه‌های حیات فردی و اجتماعی بشر. این دستاوردها و تحولات گرچه از گذشته‌های دور شروع شد؛ اما اوج آن‌ها را می‌توان از قرن هجدهم به این طرف دانست. در اینجا به شکل اجمالی عناوین کلی حوزه‌هایی که نوآوری بر آنها تاثیر گذارده‌اند، اشاره خواهیم کرد. البته هر یک از این عناوین و چگونگی تاثیرپذیری آنها از نوآوری، نوع و میزان تغییر و تحولاتی که در آنها ایجاد شده است نیازمند بحث‌های جامع و گسترده‌تر می‌باشد.

نوآوری‌های شاعرانه عبدالباقی عمری ۱۱۵۱۱۱

الف- نوآوری سیاسی و اجتماعی: که در قالب مفهوم تازه از دموکراسی و حقوق شهروندی شکل می‌گیرد.

ب- نوآوری علمی و تکنولوژیک: که نتیجه آن گسست معرفتی با کیهان‌شناسی ارسطویی، ایجاد دانش جدید، انقلاب صنعتی و تکنولوژی نو است.

ج- نوآوری زیبایی‌شناختی: که از رابطه جدید انسان با زیبایی، مفهوم جدید ذوق و سلیقه نشأت می‌گیرد.

د- نوآوری فلسفی: به معنای آگاهی سوژه فردی از طبیعت و سرنوشت خود و قرارداد این سوژه به منزله پایه و اساس تفکر و اندیشه است. (ونیز، ۱۳۸۵، ۹/۵)

از میان چهارگونه نوآوری که بیان گردید؛ به ترتیب نوآوری‌های اجتماعی و سیاسی، گاه علمی- تکنولوژیک در شعر عمری بروز روشن‌تری یافته است. اینک به ذکر نمونه‌هایی از انواع نوآوری در اشعار وی می‌پردازیم.

۴- نوآوری در محتوا

هرچند تحولات دوران این شاعر اندک بود؛ اما گاهی در محتوای شعری او دگرگونی و نوآوری‌هایی مشاهده می‌شود که می‌توان به شرح زیر به بررسی آنها پرداخت:

۴-۱- نوآوری اجتماعی

یکی از ره‌آوردهای نو در شعر عمری موضوعات اجتماعی بود که در شعر پیش از وی کمتر دیده می‌شد، این موضوعات عبارت است از:

۴-۱-۱- عدالت

با آنکه نشانه‌هایی از ضعف اشعار دوره فترت همچون تعبیر شعری عامیانه یا محسنات بدیعی در قصاید مدحی عمری نمود پیدا کرد، این امر مانع نوآوری او در ترغیب خلفا و والیان به پاسداری از ارزشهای معنوی در جهت برقراری عدالت نشد، آن هم به گونه‌ای سخت‌اثرگذار

و به شیوه‌ای بسیار دلنشین و نافذ: (یوسف، بی تا، ۵۲-۵۳؛ علوان، بی تا، ۹۶)

۱۱۶ // فصلنامه مطالعات تهرانی / سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۵ شماره ۱ و سوم

هَيِّنًا لَّهُ فِي هَذِهِ الْخِدْمَةِ الْعُظْمَى وَ طَوْبَى لَّهُ فِي هَذِهِ النِّعْمَةِ الْكُبْرَى
بِخِدْمَةِ بَيْتِ اللَّهِ قَدْ أَحْرَزَ الْمَنَى وَ خِدْمَةَ قَبْرِ الْمُصْطَفَى فَآزَ بِالْبُشْرَى
(عمری، ۱۹۴۶، ۱۸۸)

قصیده زیر از دیگر قصاید مدحی او است که با انگیزه رواج دادن به عدل و داد در جامعه است، به همین منظور عمری از ممدوح به عنوان بهترین امانتدار در امر دین یاد کرد؛ که وی به عنوان دژی استوار و محکم پشتوانه دین اسلام است: (وادی، ۱۹۹۵م: ص ۳۰۶)

قَدْ تَهَيَّئِ الشَّرْعَ وَالِدَيْنِ الْمُبِينِ بِأَمِينِ الْخَيْرِ يَا نِعْمًا لِأَمِينِ
فَهُوَ لِلدِّينِ الْحَنِيفِيِّ حِمَى وَ لِشَّرْعِ الْمُصْطَفَى حِصْنٌ حَصِينِ
(همان، ۲۴۷)

هدف عبدالباقی از ستایش شخصیت اسلامی ممدوح ترغیب او به اشاعه تفکرات اسلامی برای ایجاد عدالت در اجتماع بود، از این رو بیشتر قصاید مدحی او صبغه ای دینی و اجتماعی داشت که از نوآوری های شاعر به شمار می رود. عمری به منظور برانگیختن عواطف اسلامی ممدوح نمادهای برجسته دین اسلام همچون «بیتُ الله، قَبْرُ الْمُصْطَفَى، الدِّينُ الْمُبِينُ، الدِّينُ الْحَنِيفِيُّ» و مانند آن را برای ستایش ممدوح به کار گرفته است. هر یک از این نمادها به ترتیب بیت الله و قبر المصطفی: خدمت کردن به توده مردم؛ الدین المبین و الدین الحنیفی نماد دین اسلام است. همچنین تعابیر شاعرمانند: "خدمة القبر المصطفی، الدین المبین" در ستایش ممدوح از باورهای دینی نو و تازه است.

۴-۱-۲- اخوانیات

گرچه عمری اهداف شعری کلاسیک را در اجتماعیات خود به شیوه شعرای بزرگ پیشین بیان داشت و گاه برخی از نشانه های ضعف شعر در آنها پدیدار می شد، این امر مانع از نوآوری او در برخی اغراض شعری کلاسیک اجتماعیات نشد. برای نمونه او افکار ظلم ستیزانه و آزادی-

نوآوری های شاعرانه عبدالباقی عمری ۱۱۲۱۱۱

خواهانه اش را در قالب نظم اخوانیات با گرایش ستایش ادیب معاصر خود، «صالح تمیمی» (در گذشته در ۱۲۶۱ق = ۱۸۴۱م) در ابیات زیر آورده است (فروخ، ۱۹۷۹، ۳/ ۱۰۵-۱۲۵)

نَظْمْتُ مُعْجِزَةً لَوْ يَدْعِي أَحَدٌ بِهَذَا التُّبُوَّةِ بِالْأَدَابِ مَا كَذَّبَا...
عَرَاءٌ مَا أَنْشَدْتُ إِلَّا مَدَدْتُ يَدِي وَهَمِي يُحَيِّلُ أَحْوِي لَوْلَا رَطْبَا
بِمَدْحٍ مَنْ نَصَرَ الْإِسْلَامَ وَاعْتَدَلْتُ بِهِ قَنَاءُ الْهُدَى وَالْجَوْرُ قَدْ ذَهَبَا
مَنْ أَصْبَحَتْ أُمَّةٌ الْمُخْتَارِ فِي حَرَمٍ مِنْ أَمْنِهِ مَا ذَرَّتْ خَوْفًا وَكَارِعْبَا
(عمری، ۱۹۴۶، ۲۰۶)

اندیشه و خیال مبدع عمری نخست با هدف اینکه اذهان عامه مردم را متوجه قصیده ظلم-ستیزانه اش کند با تصاویری خیال انگیز که جنبه مادی و عینی دارد، ارزش معنوی قصیده خود را بیان داشته است و در ابیات بعدی با اسلوبی واقع گرا به همراه تعابیر شعری ساده در اثنای ستایش «تمیمی» اندیشه های اسلام پروری و ظلم ستیزی خود را آشکار کرده است. شیوه نوین شاعر در ابیات بالا آن است که افکار اصلاح طلبانه خود را در اجتماع مستقیماً به خود استناد نداد؛ بلکه با به کارگیری لفظ «مدح» ستایش را سزاوار کسی دانست که افکار اسلام پروری و اندیشه های ظلم ستیزانه دارد و عامه مردم در پناه او بدون ترس زندگی می کنند، بنابراین تعبیر شاعر از افکار آزادی خواهانه در اثنای ستایش ممدوح، خود شیوه ای نوین در نظم اخوانیات به لحاظ اندیشه است.

عمری با سبکی نو اخوانیات بالا را با زبان شعری واقع گرایانه که عاری از معقدات لفظی و معنوی حاصل از صور مخیل پیچیده است منظوم کرد، زیرا اخوانیات او حاصل نگرشی اجتماعی است که بیشتر جنبه ای مردمی دارد تا فردی.

۴-۲- نوآوری سیاسی

از دیگر نوآوری های عمری مضامین سیاسی بود که کمتر شاعری پیش از او آن را در شعر با افکار آزادی خواهانه بیان داشت؛ افکار سیاسی نو شاعر دارای درون مایه های زیر است:

۴-۲-۱- عواطف میهن دوستانه

عبدالباقی با شیوه ای نو درونمایه میهن دوستی را به عنوان یکی از اهداف شعری مستقل در اشعار خود برگزید، برای نمونه او در ابیات قصیده زیر اشتیاق خود را نسبت به سرزمین موصل این گونه بیان کرد:

لَأُمُّ الرَّبِيعِينَ حُتَّى الرَّكَابِ وَرُحِ بِي لِتِلْكَ الرَّبِيِّ وَ الرَّحَابِ
وَلَاتَثْنُ عَنْهَا عِنَانَ الْمَطِيِّ أَلْسِيْ غَيْرَهَا زَائِدًا لِلْخِصَابِ
يَحِنُّ إِلَيْهَا حَنِينَ الْعِشَارِ نَزِيحًا صَرَّ بِهِ الْأَغْتِرَابِ
(عمری، ۱۹۴۶، ۲۷۰)

ابتکار شاعر در قصیده بالا از نظر وحدت موضوع است. التزام به قافیه در آن موجب تعدد و تنوع موضوع نشد، از این رو در تمام ابیات قصیده عواطف وطن دوستانه با اندیشه و خیالی به هم پیوسته بیان شده است. این تسلسل خیال و اندیشه در ابیات بعدی نیز آشکارتر می شود:

فَخَلَّ التِّيَاقَ عَلَيْهَا الرَّفَاقِ تُحَاكِي الْأَهْلَةَ فَوْقَ الْهَضَابِ
مِنَ الْوَيْلِ لِأَزْلَمَ يَرُشِقْنَهَا يَبَالُ بِرَاهُنَّ قَوْسُ السَّحَابِ
فَتَبْدِي شَفَائِقَ نَعْمَانِهَا جُرُوحًا تُسِيلُ عَقِيْقًا مُدَابِ
حَاذِرُ سُيُوفٍ لِحَاظِ الْخُشُوفِ فَإِنَّ السُّيُوفَ تُحَرُّ الرَّقَابِ
(همان، ۲۷۰)

عبدالباقی با انگیزه بیان عواطف وطن دوستانه از پدیده های طبیعی حیات اعراب بادیه نشین الهام گرفت و برخی تصاویر شعری کلیشه ای همچون «رِكَاب، عِنَانُ الْمَطِيِّ، عِشَار» و مانند آن در اشعار او نمود پیدا کرد، عمری هر یک از تصاویر شعری را در جهت عمودی خیال در ارتباط با یکدیگر به کار گرفت، از این رو صور مخیل هر بیت مانند: وصف حرکت شتران ماده در زیر باران به سوی سرزمین موصل برفراز تپه ها در کنار تصاویر شعری ابیات دیگر معنایی کامل تر و زیباتر یافت.

نوآوری های شاعرانه عبدالباقی عمری ۱۱۹۱۱۱

عمری برای بیان اوج اشتیاق خود به میهن از زیباترین نماد طبیعت یعنی بهار به سرزمین موصل تعبیر کرد و مبتکرانه آن را مادر بهاران نامید. از سوی دیگر او با به کار گرفتن افعالی همچون «حُثُّ، رُح، لَاتَثْنُ، يَحْنُ» شوق دیدار خود را از وطن بیان کرد. (خازن، بی تا، ۱۸؛ نصولی، ۱۹۲۶، ۴۸)

تصاویر شعری شاعر در هر بیت تنها از یک پدیده طبیعت انتزاع یافته است؛ اما او با اسلوبی تازه از نظر توصیف دقیق همان یک پدیده و به ویژه توجه به عناصر رنگارنگ طبیعت مسیر سرزمینش را زیباتر جلوه داده است. خلاقیت دیگر عبدالباقی در ابیات بالا از نظر هماهنگی تصویرهاست، بدین معنا که شاعر با نگاهی دقیق نخست شتران را بر بلندی تپه، سپس ریزش باران، در پی آن پیدایش رنگین کمان و در نهایت پدیدار شدن گل شقایق را ترسیم کرد. از سوی دیگر به کارگیری تعابیری همچون «نَبَال، جُرُوحاً، سُيُوف» و به ویژه سرخی گل شقایق گاه توصیفات غنایی او را ملوّن به گرایش حماسی کرده است که حاصل سبک تازه خیال شاعر از نظر به کارگیری صور مخیل تلفیقی است.

۴-۲-۱ احساسات فرامیهنی

نوآوری دیگر عمری در بیان احساسات فرامیهنی است که به شیوه ای منسجم و سمبولیسم از آن تعبیر نمود. اسلوب فکری نو عمری او را بر آن داشت که گاه عواطف فرامیهنی خود را از میان اندیشه های ظلم ستیزانه اش پدیدار کند: (باروت، ۱۹۹۴م: صص ۹۷-۱۰۲)

قَدِ اسْتَحَالَ الْعِرَاقُ مَفْسَدَةً	لَيْسَ سِوَى ضَرْبِ السَّيْفِ يُصْلِحُهَا
وَأَهْلُهُ كَالْأَغْنَامِ عَاتٍ بِهَا	أَذُوبَةٌ وَالْكِلاَبُ تَبْحُهَا
هَذَا بِسَاطُورِ الشَّرِّ يَسْلُحُهَا	وَذَا بِسَكِّينِ الْقَهْرِ يَذْبَحُهَا
وَ كَمْ يُيُوسِ عَلَى الْعِرَاقِ نَزَتْ	مِنْ أَيْنَ لِي دُوقَرَتَيْنِ يَنْطَحُهَا

(عمری، ۱۹۴۶، ۲۸۴)

عمری بر این باور است که فساد رنگ سرزمین عراق را تغییر داد و فقط روحیه دلاوری مردم عرب در صحنه نبرد با اتحاد و همبستگی توانایی ریشه کن کردن فساد در اجتماع را دارد. جهل رایج در جامعه عاملی تأثیر گذار در برانگیختن عواطف فرامیهنی شاعر در اثنای اندیشه های ظلم ستیزانه او بوده است، از این رو به کارگیری لفظ «أَغْنَامٌ» به معنای پذیرش ظلم و ستم و قبول حاکمیت است. از سوی دیگر، شاعر با شیوه‌ای موجز و سمبولیسم لفظ «أَذُوبَةٌ وَ كِلَابٌ» را برای صفت غارتگری و پستی استعمارگران به کار گرفت. دیگر خیال مدرن عمری آن است که او از استبداد و زورگویی استعمارگران به «سَاطُورُ الشَّرِّ» یا «سِکِّينُ الْقَهْرِ» تعبیر کرده است و در اسلوبی مخیل تر استعمارگران را همچون «تُيُوسٌ» می داند، زیرا بز نر مردم را شاخ می زند. شیوه تازه عمری در تصویر سازی شرایط اجتماعی و سیاسی عراق با هدف اینکه برای عامه مردم درک پذیر باشد، چنان است که با به کارگیری تعابیر شعری ساده و صور خیال انگیز مادی، فساد غالب بر اجتماع را که حاصل سیاست های استعمارگران است برای آنان ملموس کرد. نوآوری های عمری تنها به مضمون، محدود نگردید؛ بلکه وی بارقه های مکتب هنر برای هنر را مبتکرانه در ابیات این قصیده نمایاند. وی با گنجاندن افعالی همچون «تَبْحُهَا وَ يَذْبُحُهَا» در جایگاه قافیه بیش از پیش اندیشه مردم را به ماهیت زورگویی و چپاولگری استعمارگران در سرزمین عراق معطوف کرد. از سوی دیگر به کارگیری افعالی همچون «يُصْلِحُهَا وَ يَنْطَحُهَا» در جایگاه قافیه بیانگر آن است که در افکار ظلم ستیزانه عمری با عواطف فرامیهنی تنها مبارزات ضد استعماری مایه اصلاح اجتماعی است. چنانچه شاعر از این مکتب الگو نمی گرفت شاید واژگانی را در جایگاه قافیه قرار می داد که از لطافت معنایی بیشتری برخوردار باشند. بنابراین نوآوری سیاسی با درونمایه های ملی - میهنی گاه جولانگاهی برای ظهور بارقه های مکاتب ادبی اروپایی همچون هنر برای هنر و یا ... در اشعار عربی دوران معاصر گردید.

نوآوری های شاعرانه عبدالباقی عمری ۱۲۱۱۱۱

ظلم والیان بیگانه و استعمارگران در اجتماع عواطف شعری عبدالباقی را برانگیخت، از این رو او افکار ظلم ستیزانه خود را در ضدیت با استعمارگران آشکار کرد؛ برای نمونه اندیشه های ظلم ستیزی او بدین گونه در ابیات زیر نمود پیدا کرده است:

جَرَّرَ الدِّيْجُورُ ذَيْلَ السَّحْرِ وَ جَرَى يَسْحَبُ فَضْلَ الْمِثْرِ
وَلَوَى كَشْحًا وَ وَلَى نَاكِصًا فَاقْتَفَاهُ صُبْحُهُ بِالْأَثْرِ.....
أَيْنَ تَسْوِيْدُ ظَلَامٍ مُعْتَمٍ مِنْ ضِيَا تَبْيِيضِ صُبْحِ مُسْفِرٍ
وَ اسْتَحَالَتْ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ ضِيَا فَمَحَا الْكَافُورَ سَطْرُ الْعَنْبَرِ
(عمری، ۱۹۴۶، ۳۷۲)

شاعر برای اینکه توده مردم اندیشه های ظلم ستیزانه اش را درک کنند آن را با اوصاف غنایی بیان کرد، از این رو به کارگیری واژگانی همچون «دِجُور، ظَلَام، مُعْتَم، ظُلْمَةُ اللَّيْلِ و كَافُور» که نماد ظلم و ستم است و تعبیری همچون «سَحْر، صُبْح و سَطْرُ الْعَنْبَر» که رمز پیروزی است موجب شد تا اسلوب بیان شاعر در اندیشه های ظلم ستیزی از نرمی و لطافت ویژه برخوردار شود. از سوی دیگر به کارگیری تعبیر نمادین در بیان افکار ظلم ستیزانه سبکی موجز است که معانی عمیق را در خود پوشیده نگه می دارد و مردم را به اندیشیدن وامی دارد. شاعر با هدف اینکه بر ظلم رایج در اجتماع تأکید کند، صفتی را که بیانگر شدت تاریکی است با «ظَلَام» همراه کرد و از سوی دیگر برای اینکه نشان دهد پیروزی آنان بر ظلم و ستم امری اجتناب ناپذیر و یقینی است به همراه صبح که خود سراسر روشنایی است اوصافی همچون «تَبْيِيض» و یا «مُسْفِر» را آورد. (عباس، ۱۹۸۷، ۶۳ - ۶۸)

کدکنی در کتاب صور خیال در شعر فارسی می گوید: "یکی از وجوه برجسته ادای معانی شاعر از رهگذر صور خیال به کارگیری حس بویایی است." (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ۱۶۷). بنابراین در خیال تازه شاعر بوی ناپسند کافور نماد ظلم و ستم و عطر خوش عنبر رمز پیروزی است. اسناد مجازی و به کارگیری افعال حرکتی در ارتباط با تعبیری که نماد ظلم و ستم است

۱۲۲ // فصلنامه مطالعات تداومی / سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۵ شماره چهل و سوم

خلاقیت دیگر شاعر می باشد، بدین معنا که در اندیشه های ظلم ستیزانه او ظلم و جور امری ناپایدار است.

نمونه زیر از دیگر قصاید عبدالباقی است که اندیشه های ظلم ستیزانه او را با تعبیری نمادین از میان اوصاف غنایی آشکار می کند:

وَجَلَّ الصُّبْحُ غَرَابِيبَ الدُّجَى فَتَجَلَّتْ طُرُزٌّ عَن غُرَّرِ
وَتَبَدَّى بِفَمِّ مُبْتَسِمٍ عَن ثَنَائِيَا تَزْدَرِي بِالدُّرَرِ...
وَأَبْسَرَى يَخْبِطُ أَوْزَاقَ الدُّجَا بَعْصَا الْجَوَزَاءِ كَفُّ الْمُشْتَرِي
(عمری، ۱۹۴۶، ۳۷۲)

عمری تعبیر «غَرَابِيبَ الدُّجَى» را برای ظلم و ستم به کار گرفت، از سوی دیگر به منظور ملموس کردن آثار پیروزی و غلبه بر ظلم و جور، خلاقانه مجموعه ای از اوصاف غنایی مادی را که رمز روشنایی و درخشش است در بیت دوم گنجانند. همچنین به کارگیری تعبیری همچون «عَصَا الْجَوَزَاءِ» و «كَفُّ الْمُشْتَرِي» نوآوری دیگر است که شاعر با الهام گرفتن از مناظر طبیعی با عظمت، بلندهمتی رارمز پیروزی بر ظلم می داند. عبدالباقی در بیان اندیشه های ظلم ستیزانه با اوصاف غنایی که خود سبکی نوین است، نگرشی دقیق به پدیده های طبیعت دارد. بدین معنا که مناظر طبیعی زیبا را که سراسر درخشان و روشن است، نماد پیروزی و مناظری را که سیاهی و تاریکی ویژگی ذاتی آن است، نماد ستم می داند. (شراد، ۱۹۹۸، ۶۳)

به کارگیری هنر حس آمیزی فن دیرینه در میان شاعران برای بیان احساسات شاعرانه است؛ اما به کارگیری آن برای تعبیر نمودن از اندیشه های آزادبخواهانه در اشعار عمری خود نو و تازه است، بدین معنا که آشکار شدن دهانی خندان را رمز پیروزی و صدای خرد شدن برگ های تاریک (خشک) را نماد نابودی ظلم و استعمارگران می داند.

۵- نوآوری در شکل

نوآوری های شاعرانه عبدالباقی عمری ۱۳۳۱

عمری، نه تنها در محتوا بلکه در شکل هم نیز دست به نوآوری زد. این نوآوری در شکل سبب شد تا عمری پوشش مستحکم و کلاسیک قصیده را رها نماید و از برخی شیوه های نو بهره گیرد؛ اینک در نمونه های زیر به این موارد خواهیم پرداخت:

۵-۱- ساختار شکنی در قالب کلاسیک قصیده

گریز از قالب سنتی قصیده نوآوری بود که شاعر با زبردستی از آنها در شعر خویش بهره گرفت. ساختار شکنی شکل قصیده در نتیجه فشارهای سیاسی و اجتماعی عصر در شعر عمری چهره می نمود؛ که گاه به دلیل دگرگونی در مبانی جمال شناسی هنر شعر بوده است. البته نمونه های نوع اول یعنی تاثیر عوامل سیاسی، نسبت به عامل تکامل جمال شناسی بسیار است و از عجایب اینکه گاه همان عوامل سیاسی خود به گونه ای در جهت تکامل جانب هنری شعر نیز تأثیر داشته است.

عمری از جمله شاعرانی است که تاثیر عوامل سیاسی بر نوآوری در شکل شعر او کاملاً مشهود است، از این روی آزاد اندیشی عمری در مدح خلفا و فرمانروایان او را بر آن داشت که قالب کلاسیک قصیده را به دلیل التزام قافیه رها کند و درونمایه ستایش والیان را با فرم مستزاد به نظم بکشد. به کارگیری فرم مستزاد ویژه عمری بود؛ وی با این فن بستر را نه تنها برای ستایش ممدوح بلکه برای بیان اندیشه های سیاسی خود آماده کرد. ظلم ستیزی از باورهای سیاسی بود که شاعر به دلیل آن گهگاهی این قالب شعری را به کار گرفت تا آزادانه بتواند اندیشه های خود را تعبیر نماید. او در نمونه زیر با بکارگیری شکل مستزاد اخلاق ممدوح را به گل و بخشش او را به دریا تشبیه کرد.

كَمْ جَاءَ بِأَخْلَاقِ زَهْتِ كَالزَّهْرِ لِلْمُقْتَطِفِ
كَمْ سَأَلَ نَدَى رَاحَتِهِ كَالْبَحْرِ لِلْمُرْتَشِفِ

(عمری، ۱۹۴۶، ۲۴۲)

۳- نوآوری علمی و تکنولوژیک

در آغاز قرن نوزدهم میلادی نقش علم در توسعه و تکامل فن آوری به طور فزاینده اهمیت یافت، بیشتر پیشرفت‌های مهم در صنعت و ارتباطات متکی به دانش علمی و با بهره‌گیری از آن است. با بهره‌گیری از دانش علمی اختراعات بزرگی مانند: ماشین بخار، تلفن، تلگراف و ... ایجاد شد. با ورود تکنولوژی غرب به کشورهای عربی شاعران نیز به عنوان گروهی از مردم جامعه با این پدیده‌ها آشنا شدند و برخی از آنان این آشنایی را در شعر خود بازتاب دادند. عمری هم نیز از جمله شاعرانی بود که به توصیف این پدیده‌ها در شعر پرداخت؛ اینک به بررسی این پدیده‌های نوین در شعر می‌پردازیم:

۳-۱- توصیف دانه‌های گل سرخ در زیباسازی فضای پارک‌ها

پدیده نوینی که از جهت علمی و زیبایی شناختی با هم عجین گردید، توصیف دانه‌های گل سرخ بود که هلاکوخان با خود به سرزمین عراق آورد و عمری نیز آن را بدین گونه توصیف کرد: (علوان، بی تا، ۷۵)

لَهْلَاكُو حَانَ اَعْلِي المَدْحِ فِي اَوْرَاقِي مِثْلَ شُحْرُورٍ عَلِي مَبْتَرٍ دَوْحِ رَاقِي
(علوان، بی تا، ۷۵)

هنر زیبایی شناسی شاعر تصرف در تفعیله‌های وزن عروضی رمل است، این وزن عروضی شش تفعیله است در حالی که عمری با ساختار عروضی آن را به شکل هشت تفعیله آورده است (فعلاتن، فاعلاتن، فاعلاتن، فاعل / فاعلاتن، فاعلاتن، فعلاتن، فاعل). همچنین عروض وزن رمل پیوسته به شکل عَلتِ حَذَفِ (فاعِلن) می‌آید در حالی که وی در قالب عَلتِ بتر (فاعِل) بیان کرد. بنابراین عمری بافت آوایی مطبوعی را با این ساختار شکنی در موسیقی درونی قصیده خلق کرد. (علوان، بی تا: ص ۷۵)

از دیگر پدیده‌های نوین جامعه که شاعر آن را در شعر وصف کرد، ایجاد پاسگاه مرزبانی

بود:

۱۲۶ // فصلنامه مطالعات تئودینی / سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۵ شماره چهل و سوم

نَاشِرُ الْعَدْلِ عَلَيْنَا نَشَرَ جَلْبَابِ الْغَمَامِ ...
مِنْهُ تَنْظِيمَاتٌ خَيْرٌ أَعْطَتِ الدُّنْيَا نِظَامَ ...
قَامَ كُلُّ مِنْهُمُوفِيٍّ أَمْرِهِ حَقَّ الْقِيَامِ
وَبَنُوا أَعْلَامًا رِبَاطٍ بِمَزِيدِ الْأَحْتِكَامِ
(عمری، ۱۹۴۶، ۲۵۷)

ویا پدیده نوین تلگراف را بدین گونه در شعر وصف کرد:

لِحَطِّ التِّلْغِرَافِ حُرُوفُ جَرٍّ يَجِيءُ بِهَا مِنَ الْغُورِ الْبَعِيدِ
وَيَلْفِظُهَا بغيرِ فَمٍ وَلَكِنْ بِاللِسْنَةِ حِدَادٍ مِنْ حَدِيدِ
(عمری، ۱۹۴۶، ۴۲۰)

۸- نتایج مقاله

از آن چه در این نوشتار ذکر شد؛ نتایج زیر به دست آمد:

- ۱- نخستین بارقه های تجدد و نوآوری عبدالباقی در اندیشه، خیال، تعبیر و اغراض شعری بود؛ مانند: اندیشه های میهنی و فرامیهنی، ظلم ستیزی.
- ۲- عمری نوآوری در محتوا را با دو رویکرد مورد توجه قرار داد: ۱- اجتماعی ۲- سیاسی
- ۳- عواطف میهنی و ناسیونالیستی، اندیشه های نو عمری در نوآوری های سیاسی بود.
- ۴- نوآوری در شکل ساختار شکنی در اوزان عروضی خلیلی و قالب کلاسیک قصیده بود.
- ۵- توصیف پدیده های نوین در جامعه مانند: تلگراف، پاسگاه مرزبانی و... از درونمایه های نوینی بود که مقارن با پیشرفت تکنولوژی در شعر عمری آشکار گردید.
- ۷- وی درون مایه های نو و شیوه های فکری تازه به لحاظ شکل و وزن عروضی را با پوششی اصیل و سنتی بیان داشت.

نوآوری های شاعرانه عبدالباقی عمری ۱۳۷۱/۱۱

- ۸- نوآوری های عبدالباقی به لحاظ اندیشه، خیال، تعبیر و اغراض شعری به طور کامل آگاهانه بود؛ زیرا وی درک کاملی از اوضاع سیاسی-اجتماعی روزگار خود داشت.
- ۹- تجدد عبدالباقی در برخی زحافات اوزان عروضی خلیلی و قالب های شعری آگاهانه نبود، زیرا تصرف در زحافات و به کارگیری قالب مستزاد در اشعار وی اندک بود

کتابشناسی

- باروت، جمال. (۱۹۹۴م). حركة التنوير في القرن التاسع عشر، دمشق: طبعة أولي .
- ترکاشوند، فائزه. (۱۳۹۰ش). نگاهی به پدیده های مدرن در شعر عصر قاجار و مشروطه، تهران: نشریه کتاب ماه ادبیات، شماره ۵۸.
- خازن، ولیم. (بی تا). الشعر و الوطنية في لبنان و البلاد العربية من مطلع النهضة إلي عام ۱۹۳۹ م، بیروت: دارالمشرق، طبعة أولي .
- ربابعة، بسام علي. (۱۳۸۱ش). تحولات قصیده و پیدایش شعر آزاد در عربی و فارسی، تهران: نشریه زبان و ادبیات (نامه پارسی)، شماره ۲۶.
- زرکلی، خیرالدین. (۱۹۸۹م). قاموس التراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین، بیروت: دارالعلم للملایین، طبعة أولي .
- شزاد، شلتاغ عبود. (۱۹۹۸م). تطور الشعر العربي الحديث، عمان: نشر دار مجدلاوی، طبعة أولي .
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰ش). صور خیال در شعر فارسی، چاپ اول، تهران: انتشارات آگه.
- عباس، احسان. (۱۹۸۷م). فنّ الشعر، عمان: دارالمشرق، طبعة رابعة.
- علوان، علي عباس. (بی تا). تطور الشعر العربي الحديث في العراق، عراق: دارالشؤون الثقافية العامة و وزارة الثقافة و الأعلام، طبعة أولي .
- عمری، عبدالباقی. (۱۹۴۶م). دیوان التریاق الفاروقی او دیوان عبدالباقی العمري، به کوشش حسن الکتیبی، نجف اشرف: دارالنعمان.
- فروخ، عمر. (۱۹۷۹م). تاریخ الأدب العربي من مطلع القرن الخامس الهجري إلي الفتح العثماني، بیروت: دارالعلم للملایین، طبعة أولي .

۱۲۸ // فصلنامه مطالعات تقداری / سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۵ شماره چهل و سوم

مقصودی، نورالدین. (۱۳۵۵ش). تحوّل و تکامل مستزاد، مشهد: مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۴۷.

نصولی، انیس زکریا. (۱۹۲۶م). أسباب النهضة العربية في القرن التاسع عشر، بیروت: وزنگوگراف.

ونیز، دیوید. (۱۳۸۵ش). **مدرنیته عربی**: دین و مدرنیته در جهان عرب، ترجمه ساناز سرابی زاده، تهران: مجله خردنامه همشهری، شماره ۵.

یوسف، عزالدین. (بی تا). الشعر العراقي أهدافه و خصائصه في القرن التاسع عشر، قاهرة: دارالمعارف.